بسمه تعالی

موضوع: مبطلیت تکلّم/ فصل في مبطلات الصلاة

فهرست مطالب:

[ادامه مساله 17 1](#_Toc187485251)

[ادامه جمع بین روایات 1](#_Toc187485252)

[ادامه بررسی جمع آقای سیستانی 2](#_Toc187485253)

[ادامه بررسی جمع آقای حکیم 3](#_Toc187485254)

[بررسی کلام آقای بروجردی 3](#_Toc187485255)

[مناقشه سندی در روایت بزنطی 5](#_Toc187485256)

[مساله 18 6](#_Toc187485257)

[کلام آقای خویی 6](#_Toc187485258)

بسم الله الرحمن الرحیم

مسألة 17: يجب أن يكون الردّ في أثناء الصلاة بمثل ما سلّم فلو قال: سلام عليكم، يجب أن يقول في الجواب: سلام عليكم مثلاً، بل الأحوط المماثلة في التعريف و التنكير و الإفراد و الجمع فلا يقول: سلام عليكم في جواب السلام عليكم، أو في جواب سلام عليك مثلاً و بالعكس، و إن كان لا يخلو من منع نعم، لو قصد القرآنية في الجواب فلا بأس بعدم المماثلة.

# ادامه مساله 17

بحث در مورد کیفیت جواب سلام در نماز بود.

## ادامه جمع بین روایات

### ادامه بررسی جمع آقای سیستانی

آقای سیستانی از عبارت صحیحه محمد بن مسلم که فرمود: «یرد مثل ما قیل له»[[1]](#footnote-2) یا عبارت صحیحه منصور بن حازم که فرمود « تَرُدُّ عَلَيْهِ خَفِيّاً كَمَا قَالَ» [[2]](#footnote-3) استفاده کردند که زائد بر تحیت شخص سلام دهنده نباید چیزی گفته شود. البته اگر سلام دهنده، بگوید: «سلام»، مصلی مخیر است که در پاسخ بگوید: «سلام» یا «سلام علیکم» یا «علیکم السلام». حتی اگر سلام دهنده بگوید: «علیکم السلام» مصلی می تواند بگوید «علیکم السلام» یا بگوید «سلام علیکم». فقط ایشان در تعلیقه عروه احتیاط واجب کرده اند که اگر سلام دهنده بگوید «سلام علیکم»، مصلی «علیکم السلام» نگوید[[3]](#footnote-4) ولی اگر سلام دهنده بگوید «سلام علیکم» مصلی می تواند بگوید «سلام علیکم» یا «علیکم السلام». خلاصه فرمایش ایشان این است که در مماثلت، سلام نمازگزار زیادتر از سلام سلام دهنده نباید باشد به این لحاظ که نباید تحیتش بیشتر باشد.

در مورد موثقه سماعه هم که در آن نقل شده: « يَرُدُّ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ وَ لَا يَقُولُ وَ عَلَيْكُمُ السَّلَامُ»[[4]](#footnote-5)، ایشان می فرمایند که ممکن است به این خاطر باشد که واو در «و علیکم السلام» مشتمل بر تحیت زائده است که به این معنا است که علاوه بر اینکه بر من سلام باشد بر شما هم سلام باشد.

اما به نظر مااین بیان عرفی نیست. ظاهر موثقه سماعه از نظر عرفی این است که «علیکم السلام» نگو، نه این که «و علیکم السلام» نگو اما «علیکم السلام» بگو.

ایشان در صحیحه دوم محمد بن مسلم که در من لا یحضره الفقیه نقل شده «تقول السلام علیک»[[5]](#footnote-6)، فرمودند که اختلاف نسخه است و در سرائر «السلام علیکم» بیان شده است. در سرائری که ما دیدیم «السلام علیک» دارد[[6]](#footnote-7) ولی در موسوعه ابن ادریس[[7]](#footnote-8) همانطور که آقای سیستانی بیان کرده اند، «السلام علیکم» بیان شده است. در هر صورت از «قل السلام علیکم» هم استفاده می شود که «علیکم السلام» گفته نشود و از مجموع روایات استفاده می شود که «علیکم السلام» گفته نشود. قدر متیقن این است که چون سلام متعارف این است که «سلام علیکم» است در نماز «علیکم السلام» گفته نشود و اشکال به ایشان این است که در بحثشان می گویند که این مطلب هم استفاده نمی شود. و نهایتا در تعلیقه عروه احتیاط واجب کرده اند.

ایشان در ادامه فرموده: از این روایات بیشتر از نهی از زیاده در تحیت استفاده نمی شود و در مورد اختلاف در تاخیر و تقدیر «علیکم» یا تعریف و تنکیر یا افراد و جمع، اصل برائت جاری می کنیم.

قبلا بیان شد که اینجا محل اصل برائت نیست و خود ایشان در بحث های آینده در موارد شک رجوع به ادله مانعیت تکلم می کنند.

عمده اشکال به فرمایش ایشان این است که ظاهر «یرده کما قال» یا «یرد مثل ما قیل له» را مجمل دانسته اند و بیش از نهی از زیاده در تحیت را استفاده نمی کنند که این مطلب صحیح نیست و بیش از این مقدار از روایات استفاده می شود و حداقل این است که همانطور که دیگران هم فهمیده اند، اگر سلام دهنده به طور متعارف «سلام علیکم» می گوید مصلی نباید «علیکم السلام» بگوید و اگر بگوید رد سلام کما سلم نیست.

### ادامه بررسی جمع آقای حکیم

آقای حکیم فرمودند از «یرد علیه مثل ما قال له» یا «مثل ما قیل له» مماثلت در جمیع جهات هم در ذات و هم در صفات یعنی تعریف و تنکیر، افراد و جمع استفاده می شود به شکلی که اگر «سلام علیکم» گفته شود نمازگزار نیز باید «سلام علیکم» بگوید.[[8]](#footnote-9)

به نظر ما ظاهر مماثلت همین است که آقای حکیم می گویداما آقای خویی در یک بیان فنی می گوید: ولو از این روایات مماثلت من جمیع الجهات استفاده می شود اما این روایت معارض با موثقه سماعه است که فرمود: « يَرُدُّ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ وَ لَا يَقُولُ وَ عَلَيْكُمُ السَّلَامُ» چنانچه معارض با صحیحه محمد بن مسلم است که فرمود: «قل السلام علیک». تعارض در فرضی است که اگر نمازگزار بگوید «سلام علیکم» و مانند سلام شخص سلام دهنده نشود مثلا شخص سلام دهنده «السلام علیکم» یا «علیکم السلام» گفته باشد. در اینجا پاسخ مماثل سلام نیست اما موثقه عمار می گوید که «سلام علیکم» بگو. بعد از تعارض هم ایشان فرموده که رجوع به اصل برائت می شود.

اشکال به آقای خویی این است که ایشان در مساله 18 قبل از رجوع به اصل برائت، به عام فوقانی یعنی موثقه عمار رجوع کرده اند که در موثقه می فرمود: مطلقا جواب سلام را در حال نماز بدهید اما در اینجا ایشان این مطلب را مطرح نکرده اند و به اصل برائت ارجاع داده اند[[9]](#footnote-10). علاوه بر این که اگر این عام فوقانی هم نبود باز هم نوبت به اصل برائت نمی رسید زیرا در مساله 38 صریحا بیان فرموده اند که با جواب سلام، اصل اولی بطلان نماز است زیرا مصداق تکلم است الا ما خرج بالدلیل[[10]](#footnote-11).

### بررسی کلام آقای بروجردی

آقای بروجردی همان نتیجه آقای خویی را بیان کرده اند که فقط مماثلت من حیث الذات لازم است به این معنا که اگر سلام دهنده، «سلام علیکم» گفت، نمازگزار نباید «علیکم السلام» بگوید، با اینکه متعارف در غیر نماز همین است البته ایشان مانند آقای خویی از راه تعارض و اصل برائت وارد نشده اند. آقای خویی و شهید صدر سریع المعارضه هستند و آقای بروجردی سریع الجمع بین الروایات. آقای بروجردی می فرمایند: این مطلب، مقتضای جمع عرفی بین روایات است. زیرا وقتی یک روایت فرموده «یرد مثل ما قیل له» و موثقه سماعه هم فرموده: در جواب سلام «سلام علیکم» بگو و «علیکم السلام» نگو، در نظرعرف بعید نیست که روایت «یرد مثل ما قیل له» نیز همان مطلب موثقه سماعه را می خواسته بگوید زیرا نادر است که کسی ابتدا «علیکم السلام» بگوید و متعارف این است که «سلام علیکم» گفته می شود ولو در مورد زنان بیان شده که با «علیکم السلام» ابتدا به سلام کنند[[11]](#footnote-12) ولی خارجا نادر است. البته بعضی از والدین وقتی بچه ها سلام نمی کنند به آن ها «علیک سلام» می گویند که او برای تادیب بوده و متعارف نیست.

نتیجه این بیان آقای بروجردی که مرحوم امام نیز در تعلیقه عروه قبول کرده اند مقداری با فرمایش آقای خویی متفاوت است. در فرضی که کسی به نمازگزار «علیکم السلام» بگوید، آقای خویی در مساله 18 می فرمایند: روایات متعارض است زیرا مقتضای «یرد مثل ما قیل له»، این است که نمازگزار نیز «علیکم السلام» بگوید و مقتضای «قل سلام علیکم و لا تقل علیکم السلام» این است که نمازگزار «علیکم السلام» نگوید. بعد از تعارض و تساقط ادله رجوع به اصل برائت کرده یا رجوع به موثقه عمار و عموم وجوب جواب سلام کرده و در نتیجه نمازگزار مخیر هست که به هر نحوی خواست پاسخ بدهد. [[12]](#footnote-13)

اما نتیجه جمع عرفی آقای بروجردی این است برای رفع تنافی، با لحاظ موثقه سماعه، روایتی که فرموده: «فلیرد کما قیل له»، حمل به فرض متعارف می شود زیرا متعارف در سلام این است که این است که «سلام علیکم» گفته می شود و این روایت شامل فرض غیر متعارف که سلام دهنده «علیکم السلام» گفته است، نمی شود زیرا ظهور «فلیرد مثل ما قیل له» در عنوان مشیر است. لذا ایشان و مرحوم امام می فرمایند مطابق اطلاق موثقه سماعه که فرمود: «قل سلام علیکم و لا تقل علیکم السلام» اگر سلام دهنده «علیکم السلام» بگوید نماز گزار نباید «علیکم السلام» بگوید و باید «سلام علیکم» بگوید. تعبیر مرحوم امام این است که «المماثلة الواجبة هي في تقديم السّلام على الظرف لا غير، بل لو قدّم المسلّم الظرف قدّم المجيب السّلام على الأقوى»[[13]](#footnote-14). البته ما تربیت شده مدرسه آقای خویی هستیم و بیشتر همان اصالة التعارضی بوده و این جمع ها را عرفی نمی دانیم و اشکال می کنیم که در مور «فلیرد مثل ما قیل له» حمل بر عنوان مشیر متعین نیست و ممکن است که موثقه عمار عنوان مشیر باشد و این خاصیت عامین من وجه است که هر کدام قابل حمل بر دیگری است.

### مناقشه سندی در روایت بزنطی

شهید اول در ذکری حدیثی از کتاب بزنطی نقل می کند[[14]](#footnote-15). آقای خویی می فرمایند که شهید اول به کتاب بزنطی سند ندارد. آقای سیستانی به ایشان اشکال می کند که در اجازات بحارالانوار، علما از طریق شهید اول به تمام کتاب‌هایی که شیخ در فهرست نام می‌‌برد سند ذکر می کنند و نمی توان گفت که شهید اول خود به این کتاب‌ها سند ندارد و آقای خویی هم این سندها را تشریفاتی نمی داند، شبیه همان مطلبی که بعض فضلاء در کتاب رجا‌شان بیان کرده و می گویند که ما با آقای خویی هم مطرح کردیم و آقای خویی «استحسن ذلک» و با این طریق سند‌های مستطرفات سرائر درست می‌‌شود، سند‌های شهید اول، محقق، به کتاب‌ها درست می‌‌شود. البته ما به ایشان گفتیم «آیا جایی هست که آقای خویی این مطلب را ترتیب اثر داده باشد؟» ما چنین ترتیب اثری را در کتب ایشان پیدا نکردیم و ممکن است که ایشان فی المجلس فرموده که مطلب خوبی است که به ذهن شما آمده است. به نظر واضح است که این سند به تمام کتبی که شیخ طوسی در فهرست بیان کرده، سندی تشریفاتی و از باب تیمن و تبرک است یعنی شیخ طوسی به شاگرد خود فرموده: «اجزت لک ان تروی عنی جمیع الکتب الذی ذکرتها‌ فی الفهرس» و اینطور نبود که شیخ طوسی نسخه معتبر را به آن ها بدهد. شاگرد شیخ طوسی نیز به شاگردش این اجازه را داده تا رسیده به شیخ عباس قمی که وقتی به قم آمده، مرحوم امام هم پیش ایشان رفته و از ایشان اجازه نقل حدیث گرفته است که اجزت لهذا السید الجلیل که نام ایشان را ذکر کرده ان یروی عنی جمیع کتب الاصحاب من طریق اجازتی من میرزا حسین النوری تا به گذشتگان برسد، در حالی که مرحوم امام کتب کمی داشته اند تا چه برسد به کتاب‌های خطی. آقای سیستانی هم با التفات به این نکته می فرماید که اینکه شهید اول فرموده: «و روى البزنطي في سياق أحاديث الباقر عليه السلام» یعنی بزنطی در سیاق روایات از امام باقر علیه السلام این حدیث را نقل می‌‌کند و قطعا بیش از یک واسطه دارد و با دو یا سه واسطه نقل می کند و ما نهایتا می توانیم مشایخ بلاواسطه بزنطی را توثیق کنیم و در مورد مشایخ با واسطه چنین نیست. مثلا بزنطی از زید و او از عمرو و او از محمد بن مسلم، ممکن است که در مورد زید گفته شود که ثقه است زیرا در مورد بزنطی گفته شده که «لا یروون الا عن ثقة» اما معلوم نیست که عمرو توثیق داشته باشد پس سند این روایت خوب نیست.

اگر سند بزنطی خوب بود، فایده اش این بود که در این روایت از امام باقر علیه السلام نقل شده که عمار یاسر به پیغمبر صلی الله علیه و آله گفت: «السلام علیک یا رسول الله و رحمة الله و برکاته» و در موثقه عمار نیز نقل شده که پیامبر صلی الله علیه و آله به عمار فرمود: «سلام علیکم» و سلام عمار ذکر نشده است بنابراین معلوم می‌‌شود این مقدار اختلاف مشکلی ندارد که سلام‌دهنده بگوید «السلام علیک» و نمازگزار بگوید «سلام علیکم» یعنی در تعریف و تنکیر و در افراد و جمع با همدیگر اختلاف داشته باشند. احتمال اینکه دو واقعه بوده و امام باقر علیه السلام در یک بیان یک واقعه و در بیان دیگر، واقعه دوم را نقل کرده باشند خیلی بعید است. با اینکه سند روایت خوب نیست، البته ما هم همین نتیجه را بیان کردیم اما از باب تعارض و رجوع به اطلاقات که آقای خویی فرمودند یا از باب جمع عرفی که آقای بروجردی و ظاهرا مرحوم امام مطرح کردند.

# مساله 18

مسألة 18: لو قال المسلّم: عليكم السلام فالأحوط في الجواب أن يقول: سلام عليكم بقصد القرآنية، أو بقصد الدُّعاء.

صاحب عروه در شمول ادله جواب سلام در فرضی که سلام دهنده «علیکم السلام» بگوید، مناقشه دارد لذا فرموده: احتیاط واجب این است که نمازگزار سلام علیکم که می گوید، قصد دعا یا قرآن داشته باشد

آقای نائینی در حاشیه فرموده اند که چون اصل وجوب جواب «علیکم السلام» در نماز مشخص نیست لذا احتیاط این است که «سلام علیکم» یا «سلام علیک» را به قصد قرآنیت بگوید[[15]](#footnote-16)، البته در قرآن در آیه ﴿قالَ سَلامٌ عَلَيْكَ سَأَسْتَغْفِرُ لَكَ رَبِّي إِنَّهُ كانَ بي‏ حَفِيًّا﴾[[16]](#footnote-17) سلام علیک مطرح شده که البته نفرین است اما خوب است. آقای خوانساری فرموده: « الأحوط ردّ السّلام بأيّ‌ صيغة شاء، و إتمام الصلاة ثمّ‌ الإعادة»[[17]](#footnote-18)

## کلام آقای خویی

آقای خویی فرمودند وقتی که سلام دهنده می گوید: «علیکم السلام» روایت «فلیرد بمثل ما قال» می‌‌گوید: «علیکم السلام» بگو و موثقه سماعه می‌‌گوید «سلام علیکم» بگو، این روایات با هم تعارض و تساقط کرده و رجوع به عمومات وجوب رد یعنی موثقه عمار می کنیم که فرمود: «فَرُدَّ عَلَيْهِ فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ نَفْسِكَ وَ لَا تَرْفَعْ صَوْتَكَ»[[18]](#footnote-19) و اگر عامی هم نداشتیم رجوع به اصل برائت می کنیم که نتیجه باز هم تخییر است[[19]](#footnote-20).

صاحب حدائق فرموده: اگر سلام دهنده «علیکم السلام» بگوید، نیاز به جواب ندارد زیرا از صیغ سلام‌دادن نیست و از صیغ رد سلام است. معنای کلام ایشان این است که اگر سلام دهنده به نمازگزار بگوید: «علیکم السلام» نه تنها بر نمازگزار واجب نیست که جواب بدهد بلکه حرام هم هست و حداقل حرام وضعی بوده و نماز باطل می‌‌شود زیرا تکلم است[[20]](#footnote-21).

آقای خویی در اشکال به ایشان می فرماید: اولا چرا ادله وجوب سلام از این فرض انصراف داشته باشد؟ بر فرض متعارف هم نباشد که سلام‌دهنده بگوید «علیکم السلام»، اطلاق دلیل فرض غیر متعارف را هم می‌گیرد. ثانیا در موثقه عمار نقل شده: « مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَمَّارٍ السَّابَاطِيِّ أَنَّهُ سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنِ النِّسَاءِ كَيْفَ يُسَلِّمْنَ إِذَا دَخَلْنَ عَلَى الْقَوْمِ قَالَ الْمَرْأَةُ تَقُولُ عَلَيْكُمُ السَّلَامُ وَ الرَّجُلُ يَقُولُ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ»[[21]](#footnote-22).[[22]](#footnote-23)

ممکن است گفته شود که در کتاب مسند احمد بن حنبل نقل شده که پیامبر صلی الله علیه و آله به ابی تمیمه فرمود: «لا تقل علیک السلام فان علیک السلام تحیة ‌الموتی، اذا سلّمت فقل سلام علیک فیقول الرادّ علیک السلام» تحیة الموتی است یعنی اموات به یکدیگر به این شکل سلام می دهند یا شما وقتی به قبرستان می روید به موتی سلام می‌‌دهید بگویید «علیکم السلام». اما این روایت نبوی مرسل بوده و ضعیف است و اعتباری ندارد. نهایت این که گفتن «علیکم السلام» کراهت داشته باشد که باز هم «اذا حییتم» شامل آن می شود.

به نظر ما حق با آقای خویی است، «علیکم السلام» ولو متعارف نباشد اطلاق دلیل شامل آن می شود و جواب آن واجب است و ما مخیریم که بگوییم «علیکم السلام» یا بگوییم «سلام علیکم» با توضیحی که ان‌شاءالله در جلسه آینده بیان خواهد شد.

الحمد لله رب العالمین.

1. وسائل الشیعة 7: 267 [↑](#footnote-ref-2)
2. [وسائل الشیعة 7: 268](https://lib.eshia.ir/11025/7/268) [↑](#footnote-ref-3)
3. العروة الوثقی و التعلیقات علیها 7: 486. [↑](#footnote-ref-4)
4. [وسائل الشیعة 7: 267](https://lib.eshia.ir/11025/7/267) [↑](#footnote-ref-5)
5. من لا یحضره الفقیه 1: 367 [↑](#footnote-ref-6)
6. السرائر الحاوي لتحرير الفتاوي (و المستطرفات) 3: 604 [↑](#footnote-ref-7)
7. مقرر: البته در موسوعة ابن ادریس «السلام علیکم» بیان نشده بلکه «سلام علیکم» بیان شده است. موسوعة ابن ادریس 14: 190؛ محمد بن مسلم قال: سألته عن الرجل يسلّم على القوم في الصلاة‌؟ فقال: إذا سلّم عليك مسلّم و أنت في الصلاة فسلّم عليه تقول: سلام عليكم، و أشر إليه باصبعك [↑](#footnote-ref-8)
8. . مستمسک العروه6: 556 [↑](#footnote-ref-9)
9. [موسوعة الامام الخوئی 15: 463](https://lib.eshia.ir/71334/15/463) [↑](#footnote-ref-10)
10. [موسوعة الامام الخوئی 15: 490](https://lib.eshia.ir/71334/15/490) [↑](#footnote-ref-11)
11. [وسائل الشیعة 12: 66](https://lib.eshia.ir/11025/12/66) [↑](#footnote-ref-12)
12. . موسوعه الامام الخویی 15: 463 [↑](#footnote-ref-13)
13. العروة الوثقی و التعلیقات علیها 7: 486 [↑](#footnote-ref-14)
14. موسوعة الشهید الاول 7: 402؛ وروى البزنطي في سياق أحاديث الباقر عليه السلام: «إذا دخلت المسجد والناس يصلّون فسلِّم عليهم، وإذا سلّم عليك فاردد فإنّي أفعله، وأنّ‌ عمّار بن ياسر مرّ على رسول الله صلى الله عليه و آله وهو يصلّي، فقال: السلام عليك يا نبيّ‌ الله ورحمة الله وبركاته، فردّ عليه السلام» . [↑](#footnote-ref-15)
15. العروة الوثقی و التعلیقات علیها 7: 489 [↑](#footnote-ref-16)
16. مریم: 47. [↑](#footnote-ref-17)
17. العروة الوثقی و التعلیقات علیها 7: 488 [↑](#footnote-ref-18)
18. [وسائل الشیعة 7: 268](https://lib.eshia.ir/11025/7/268) [↑](#footnote-ref-19)
19. [موسوعة الامام الخوئی 15: 462](https://lib.eshia.ir/71334/15/462) [↑](#footnote-ref-20)
20. الحدائق الناظرة 9: 74 [↑](#footnote-ref-21)
21. [وسائل الشیعة 12: 66](https://lib.eshia.ir/11025/12/66) [↑](#footnote-ref-22)
22. [موسوعة الامام الخویی 15: 461](https://lib.eshia.ir/71334/15/461) [↑](#footnote-ref-23)